



درس و مشق بچه‌های خیابان به روایت محمدحسن داوودی، مدیر و مؤسس مدارس «صبح رویش»

آموزش و پرورش در تحصیل کودکان کار ناتوان است

سال گذشته در پایتخت ۵۴۰ کودک کار پشت در مدرسه ماندند



نیره ساری

«به جای اینکه کودکان کار به مدرسه بیایند، مدرسه را به صورت سیار سر چهارراه می‌بریم، فقط در سال گذشته و بعد از انعام ثبت‌نام مدارس، ۵۴۰ نفر مراجعه کردند که ما دیگر امکان ثبت‌نام آنها را نداشتیم. ۹۵ درصد کودکان زباله‌گرد، ۳۵ سالگی را نمی‌بینند. تنها ۱۲ درصد کودکان کار که ما می‌بینیم، در گیر مافیا و باند هستند. بچه‌های بدون خانواده کودک کار در تهران زیر یک درصد هستند. مردم ما بر خورد با کودکانی را که کار می‌کنند، نمی‌دانند.» اینها گفته‌های محمدحسن داوودی، مدیر و مؤسس مدارس کودکان کار صبح رویش است. آغاز سال تحصیلی بهانه‌ای شد تا سراغ او برویم؛ فردی که سال‌هاست از نزدیک با آنها در تباط و از مشکلات سبک زندگی این افراد مطلع است و در عین حال توصیه‌هایی را هم در بر خورد مردم با این افراد دارد. وی حتی از ما می‌خواهد به جای «کودک کار» بگوییم «کار کودک». مدرسه صبح‌رویش، این مجموعه را یک سازمان مردم‌نهاد و مستقل با مجوز از وزار تخانه‌های «آموزش و پرورش» و «کشور» و همچنین سازمان یهزیستی معرفی می‌کند.

■ ■ ■

ما یلیم به عنوان سؤال نخست درباره فلسفه وجودی این مدرسه بپرسیم، اینکه وقتی آموزش و پرورش در کشور متولی دارد، چرا باید بسمن‌ها هم ورود کنند؟ وجه تمایز شما نسبت به مدارس عمومی چیست؟

صبح رویش در حال حاضر ۱۰ مرکز در تهران برای کودکان کار راه‌اندازی کرده است که مرکز یازدهم نیز در حال راه‌اندازی است. مراکز ما هم شامل مدرسه و هم شامل مراکز غیر از مدرسه است. مدارس شامل دبستان و متوسطه اول و دوم برای پسران و دختران است و علاوه بر این مراکز مهارت‌آموزی داریم که ۱۸ کارگاه‌فنی حرفه‌ای دارد. واحد نگهداری شبانه‌روزی بچه‌ها را داریم که برخی از این کودکان کار که فاقد سرپرست مؤثر هستند و مصلحت بر جدایی از خانواده است، در این مرکز نگهداری می‌شوند. همچنین مرکز سیاری به نام «جابزی» داریم که مدرسه بسیار بچه‌های کار است. جایز مثل کارتون جیمویی بچگی‌های ماست. جابزی مینی‌بوس زرد رنگی است که دماغ و دهن

دارد و به شکل کودکانه است. «جابزی» به سر چهارراه می‌رود و آموزش را همان جا برای بچه‌هایی که نمی‌توانند به مدرسه بیایند، انجام می‌دهد. در واقع به جای اینکه بچه‌ها را به مدرسه بیاوریم، مدرسه را سر چهارراه برده‌ایم. بچه‌هایی هم که حضوری به مدرسه می‌آیند، کودک کار هستند اما ما توانستیم شرایطی را فراهم کنیم که هم به مدرسه بیایند و هم سر کار بروند اما جابزی برای بچه‌هایی است که این شرایط را ندارند یا خانواده اجازه نداده و خودشان راضی نشده‌اند. ما در حال حاضر ۲۰۵ نفر از بچه‌ها را داریم که هم آموزش می‌بینند و هم توانمند می‌شوند و در تلاشیم با یادگیری در آینده بتوانند در جامعه موفق شوند. برای پاسخ به سؤال شما باید بگویم مگر آموزش و پرورش توانسته است بچه‌هایی را که در بهترین شرایط هستند و خانواده کارشان است و کودک کار نیستند، توانمند کند. خود متولیان آموزش و پرورش و همکاران و دلسوزان سیستم آموزشی هم به اثربخشی این سیستم انتقاد دارند و نگاه کارخانه‌ای مانع موفقیت کودکان و نوجوانان ما می‌شود. ما درصدا نکار زحمات نیستیم اما کلیت این ماجرا با سیستمی که تعریف شده است باعث همین عدم‌موفقیت می‌شود. کودک کار اساساً هیچ فرصت و امکانی برای استفاده از سیستم آموزشی ندارد و همین



«جابزی» به سر چهاراه می‌رود و آموزش را همان جا بر ای بچه‌هایی که نمی‌توانند به مدرسه بیایند، انجام می‌دهد. در واقع به جای اینکه بچه‌ها را به مدرسه بیاوریم، مدرسه را سر چهارراه برده‌ایم

باعث شد تیم مؤسسن صبح رویش این امکان را فراهم کند. در واقع ما بار بر زمین‌مانده را برداشتیم. هر زمان دولت این بار را تحویل بگیرد ما کنار می‌رویم و در واقع آرزوی‌مان در صبح رویش این است که نیاز به ما نباشد. ما متولی آموزش و پرورش نیستیم اما واقع‌بینانه این است که سیستم آموزش و پرورش ما به دلیل نوع نگاه به آموزش شاید فعلاً نتواند کاری انجام دهد. سند تحول بنیادین آموزش و پرورش حرف‌های خوبی دارد مثل اینکه برنامه درسی متناسب با نیاز باید گریه‌ناشد، در نتیجه باید پرسید آیا نیاز کودک کار با نیاز یک بچه در شمال شهر تهران یکسان است؟! در همین تهران بین کوچ به کوچ و محله به محله محتوای آموزشی باید فرق کند و باید از تجارب برخی کشورها مثل نروژ استفاده کرد.

در تارنمای مدرسه صبح‌رویش اعلام شده است هز بینه‌های این مدرسه از طریق حامیان مردمی تأمین می‌شود، آیا این هز بینه‌ها جوابگوی نیاز هاست و آیا نباید حاکمیت کمک کند، چرا که بخشی از وظایف حاکمیت را انجام می‌دهید؟ همه هز بینه‌های صبح رویش را مردم تأمین می‌کنند و تا امروز حتی یک ریال هم بودجه حاکمیتی نداشته‌ایم. اتفاقاً سر مایه اجتماعی جامعه ما وسیع است و با هر سختی و کمبودی هزاران نفر هستند که با رقم کم به صبح رویش کمک می‌کنند و تصمیم گرفتند حامی باشند، این موضوع باعث می‌شود مجموعه به صورت اثربخش برنامه درازمدت تدوین کند، البته باید گفت زیرساخت‌های فیزیکی را از حاکمیت تحویل گرفت. ما واز این مرکز سه مورد از سوسی شهر داری و یکی بهزیستی به ما کمک مالی کرده‌اند.

مدارس و مراکز به جز هرندی کجاست؟

هم در هرندی و هم در مناطق ۱۶ و ۱۵ مراکزی داریم که بزرگ، خوب و فعال هستند. مراکز سیار ما هم در مناطق یک، ۵، ۲ و فعالیت دارند.

نخوه گزینش دانش آموزان مدرسه صبح‌رویش چگونه است؟ آیا صرفاً متکی به خوداظهاری دانش آموزان است یا تحقیقات و استعلام‌های خاصی نیز انجام می‌شود؟

ابتدا بچه خودش باید بخواهد که درس بخواند. سال‌های اول که بین بچه‌های کار شناخته‌شده نبودیم، خودمان چهارراه به چهارراه برای جذب می‌رفتیم ولی از سال دوم و سوم بچه‌ها خودشان یکدیگر

کودکان کار اساساً هیچ فرصت و امکانی برای استفاده از سیستم آموزش‌ی ندارند و همین باعث شد تیم مؤسسین صبح رویش این امکان را فراهم کند. در واقع ما بار بر زمین‌مانده را برداشتیم. هر زمان دولت این بار را تحویل بگیرد ما کنار می‌رویم و در واقع آرزوی‌مان در صبح رویش این است که نیاز به ما نباشد. ما متولی آموزش و پرورش نیستیم اما واقع‌بینانه این است که سیستم آموزش و پرورش ما به دلیل نوع نگاه به آموزش شاید فعلاً نتواند کاری انجام دهد. سند تحول بنیادین آموزش و پرورش حرف‌های خوبی دارد مثل اینکه برنامه درسی متناسب با نیاز باید گریه‌ناشد، در نتیجه باید پرسید آیا نیاز کودک کار با نیاز یک بچه در شمال شهر تهران یکسان است؟! در همین تهران بین کوچ به کوچ و محله به محله محتوای آموزشی باید فرق کند و باید از تجارب برخی کشورها مثل نروژ استفاده کرد.

ما به عنوان NGO بیش از این ظرفیت نداریم و صرفاً می‌توانیم به تصمیم‌گیران کمک کنیم.

ما یلیم درباره سبک زندگی کودکان کار بفرمایید، اینکه با چه سبکی وارد و با چه سبکی خارج می‌شوند و با چه مشکلاتی دست و پنجه نرم می‌کنند؟

ذهنیتی در جامعه در مورد کودکان کار وجود دارد که نمی‌گوییم غلط اما دقیق نیست، ذهنیت افراد در مورد مافیابون کودکان کار و درآمدهای میلیونی آنهاست. واقعیت این است که حسب تجربه و از دل ماجرا و شناخت این افراد باید بگوییم باند وجود دارد اما میزان آن زیاد نیست و بر اساس آمار پژوهشی حداکثر ۱۲ درصد این بچه‌ها در باند زندگی می‌کنند. ما در مورد ۸۸ درصدی حرف می‌زنیم که مشکلات مختلف خانوادگی و معیشتی دارند. تلاش حاکمیت باید مبارزه با باندها باشد و نهادهای مختلف باید به جمع‌آوری آنها کمک کنند اما مشاهدات می‌گوید ۸۸ درصد باز هم باقی می‌ماند. این افراد و خانواده‌های آنها با سختی‌های بسیار زیادی زندگی می‌کنند. برخی فکر می‌کنند این افراد رها و بی‌سرپرست هستند، در حالی که اکثر این بچه‌ها خانواده دارند و اگر بی‌سرپرست باشند، برای ادامه زندگی به بهزیستی می‌روند. بچه‌های بدون خانواده کودک کار در تهران زیر یک درصد هستند. این بچه‌ها از نژادهای فرهنگی متفاوتی هستند. ترک، فارس، لر و کرد گرفته تا افغان، پاکستان و «غربت» ها. «غربت» (کولی) یکی از قشرهایی است که خود این بچه‌ها هم لفظ آن را می‌گویند و هر کدام از آنها ویژگی و سبک زندگی متفاوتی دارند. اصلاً سبک زندگی ثابتی ندارند و هر کدام به تناسب نژادهای فرهنگی به یک سبک زندگی می‌کنند، مثلاً غربت‌ها یک سیستم سبک زندگی غیر چار چوبمند دارند که در کل دنیا هم مرسوم است. ما غربت‌های ایران، پاکستان و اروپا در اسپانیا داریم. بسیاری از سیرک‌های دنیا را همین غربت‌ها اداره می‌کنند که ما در اصطلاح به سبک زندگی آنان آوارگی می‌گوییم که مدام در کاروان و شهر به شهر جابه‌جا می‌شوند. در تهران غربت‌ها بیشتر در محله دروازه‌غار هستند.

مثلاً این افراد استاندارد و ارتباط خانوادگی و چار چوب اجتماعی ندارند و از نظر جامعه‌شناسان این هنجارهای اجتماعی پذیرفته‌شده جامعه را در ابعاد مختلف رعایت نمی‌کنند. مثلاً بچه‌های غربت یک مدل خاصی غذایی خوردن یا شاید دست‌های خود را نشویند و مسائل بهداشتی را رعایت نکنند و دعوی عیبی داشته باشند و نوع پوشش آنها فرق کند.

این ۱۲ درصدی که اشاره کردید در تهران یا در کل کشور و در چه حوزه‌هایی هستند؟

در تهران. بالاترین مورد باندی در تهران است چراکه اصلاً خاصیت پایتخت است. یکی از اشکال کودکان کار زباله‌گردی است. خیلی تلخ است که باید این رایگویی که «بیشتر بچه‌های زباله‌گرد سن ۳۵ سالگی را نخواهند دید.» بر اثر بیماری‌های مختلف پوستی و انگلی از بین می‌روند و عجیب است چطور زباله‌گردی کودکان وجود دارد؟ مردم و مسئولان باید برای رفع آن بکوشند. شهروندانی که تفکیک زباله را اجرایی نمی‌کنند هم مقصرند. دستگاه‌های امنیتی که به درستی همه‌جا ورود می‌کنند، چرا به زباله‌گردی کودک ورود پیدا نمی‌کنند؟! اتفاقاً بیش از ۹۵ درصد کودکان زباله‌گرد در همین باند‌های مافیا

هستند که بهره‌کشی می‌شوند و اغلب آنها ایرانی نیستند. اینها با کار کردن خود به سیستم بهداشتی شهر لطمه می‌زنند و هزاران مسئله دیگر به دنبال دارند.

زندگی کودکان کار اساساً با کار گره خورده است، چطور وقت می‌کنند درس بخوانند و آیا خانواده‌های‌شان کمک می‌کنند؟

هیچ کس نمی‌تواند ادعا کند با درس خواندن، کودکان کار دیگر کار نمی‌کنند چرا که کار کردن ریشه اقتصادی و حتی فرهنگی دارد و تا مادامی که این موضوع ریشه‌ای حل نشود، این چرخه ادامه دارد، البته بسیاری از بچه‌های صبح رویش در دل خانواده به گونه‌ای پیش رفته‌اند که سبک زندگی آنها تغییر کرده است و بچه کار نمی‌کند اما زمان می‌برد. خیلی از بچه‌ها بعد از مدرسه باز هم کار می‌کنند و زمان آموزش را صبح رویش به سبک زندگی آنها اضافه کرده است. آموزشی که در آن مهارت زندگی یاد می‌گیرند. شبویه آموزشی ما به گونه‌ای است که ولویت سبک زندگی و مهارت‌محوری است و در کنار آن سایر موارد آموزشی وجود دارد.

صحبت آخر، به خصوص اگر مخاطب شما مردم هستند.

ما به عنوان شهروند باید در هر بعدی شهروندبودن را رعایت کنیم. پدیده تلخ «کار کودک» وجود دارد اما شهروندان ما چه میزان برای نحوه برخورد با آنها آموزش دیده‌اند؟ نادانسته و به دلیل عدم آگاهی و ترحم و خشم باعث لطمه‌زدن به آینده آنها می‌شویم. این کودک در همین جامعه است و آینده او کنار ماست، در نتیجه با لطمه‌دیدن در جامعه آسیب او به خود ما هم می‌رسد. وقتی ما نا آگاهانه با این بچه‌ها رفتار می‌کنیم، نتایج خوبی ندارد. ما حتی نمی‌دانیم در برخورد با کودک کی به شیشه ما می‌زند، چه برخوردی کنیم و سلیقه‌ای عمل می‌کنیم. مجموعه صبح رویش کتاب‌هایی را تدوین کرده که نحوه رفتار با کودکان کار را آموزش داده است. ما از مردم می‌خواهیم مطالعه کنند تا نحوه رفتار با کودکان کار را بدانند و حتی آمادگی داریم برای هر نهاد و مجموعه‌ای با حضور سه ساعته آموزش رفتار با کودکان کار داشته باشیم.



آشنا شوند. علاوه بر این، برای بچه‌ها به بهانه حفظ و نگهداری از لوازم تحریر شان فرصتی را برای مسئولیت‌پذیری فراهم کنیم، یعنی در همان ابتدای سال تحصیلی به آنها بگوییم در حفظ و نگهداری لوازم تحریر خود کوشا باشند و مسئولیت حفظ و نگهداری از آنها را به عهده خودشان بگذاریم و اینکه برای تهیه لوازم تحریر جدید بازه زمانی تعیین کنیم، بنابراین اگر وسیله‌ای را گم یا خراب کنند، نباید به سرعت وسیله جدید تهیه کرد بلکه باید به آنها بگوییم خودشان برای خودشان با پول توجیبی‌شان وسیله جدید بخرند، بنابراین بچه‌ها قدر داشته‌های خود را می‌دانند و رفته‌رفته مسئولیت‌پذیر می‌شوند و هم اینکه در عمل با مفهوم صرفه‌جویی و حتی مهارت‌های پولی آشنا می‌شوند.

«کارشناس ارشد مشاوره و روان درماتی کودک و نوجوان

دانش آموزان را با

نظم، مسئولیت‌پذیری و صرفه‌جویی آشنا کنیم

■ انجام تکالیف در ساعات مشخص

مورد دیگری که در مسئولیت‌پذیری فرزند مؤثر است، داشتن برنامه مطالعه و انجام تکالیف به صورت منظم است. برای این کار باید برنامه زمانی منظمی را در نظر بگیرید. در زمان انجام تکالیف و مطالعه وسایل الکترونیکی را از فرزندتان دور کنید و در صورتی که



در زمان انجام تکالیف و مطالعه وسایل الکترونیکی را از فرزندتان دور کنید و در صورتی که تکالیف خود را به پایان رساند، می‌تواند به مدت نهایتاً ۴۵ دقیقه از وسایل الکترونیکی خود استفاده کند. برای جلوگیری از خستگی چشم، کردن و کمتر فرزندتان حتماً ساعتی را برای استراحت و دراز کشیدن در نظر بگیرید

امین حشمتی*

پیش از هر چیز باید به فرزندمان در دلنشین شدن فضای مدرسه کمک کنیم. در این راستا از جنبه‌های مثبت مدرسه و فضای مدرسه برای فرزندمان بگوییم. چند روزی بیشتر به بازگشایی مدارس ننمانده است اما بعضی از والدینی که یک یا چند فرزندشان را راهی مدرسه یا از دیگر والدین کسب تجربه کرده‌اند، یک هفته قبل از شروع مدرسه برنامه خواب منظمی را برای فرزندشان در نظر گرفته و به همراه فرزندشان با معلمان سال جدید به منظور کاهش اضطراب دیداری داشته‌اند. توصیه می‌شود موارد زیر را در نظر بگیرید.

■ ■ ■

■ خواب منظم

برای اینکه فرزندان در راستای تحصیل، رعایت نظم و مسئولیت‌پذیری را یاد بگیرند، والدین دقت بیشتری به رعایت نظم داشته باشند و همواره باید آن را رعایت کنند. از مواردی که به رعایت نظم و مسئولیت‌پذیری کمک بسیاری می‌کند، خواب منظم است. برای انجام این کار فراهم کردن شرایط مناسب برای خواب اهمیت بسیاری دارد، مثلاً زمان خواب مشخص شود، به طوری که ۱۰ تا ۱۲ ساعت بخوابد و حداقل یک ساعت قبل از خواب استفاده از وسایل الکترونیکی و رسانه‌ای کنار گذاشته شود. از دادن غذاهای سنگین و پرچرب در وعده غذایی شام نیز به فرزند خودداری شود.